



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد



دانشگاه باقر العلوم
(عبر دولتی - غیر انتفاعی)

دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده: تاریخ و مطالعات سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: علوم سیاسی

عنوان:

نقش آموزه‌های اسلامی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی

با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما:

حجت‌الاسلام دکتر نجف لک‌زایی

استاد مشاور:

دکتر محمد ستوده

نگارش:

محمدعلی همدانی

دی 1393

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

با تقدیر و سپاس از اساتید گران قدر؛

حجت‌الاسلام دکتر نجف لک‌زایی و دکتر محمد ستوده

و با تشکر خالصانه خدمت همه کسانی که به نوعی مرا در به انجام رساندن این مهم یاری نمودند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

پژوهش حاضر را تقدیم می‌نمایم به محضر دو پاسدار امنیت ساز نظام جمهوری اسلامی ایران؛

سردار شهید حسین همدانی

و

سردار شهید حبیب لکزایی



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

چکیده

پیرامون تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی، مؤلفه‌های متعددی وجود دارد که می‌تواند در جهت‌گیری راهبرهای کلان، مورداستفاده قرار بگیرد. رساله حاضر به دنبال بررسی نقش آموزه‌های اسلامی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران، به قلم نگارش درآمده است.

در پژوهش حاضر به این نتیجه رسیدیم که آموزه‌های دینی نقش محوری در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی دارند. محور پژوهش بر مبنای انسان‌شناسی امنیتی امام خمینی (سعد) استوار شد. از منظر ایشان و اعظم فقیهان، دین اسلام دارای ارکان سه‌گانه (اعتقاد، احکام و اخلاق) است. مدعا که ما به دنبال اثباتش بودیم، آن است که در امنیت متعالی نیز ارکان سه‌گانه تکرار می‌شود و نگارنده در این رساله، به ترتیب اصول اعتقادی، احکام فقهی و آموزه‌های اخلاق، را مورد کاوش قرارداد.

بر مبنای آموزه‌های اعتقادی، هریک از ابعاد مادی و معنوی امنیت، ریشه در باورهای ایمانی و اعتقادی انسان دارد و در سوی مقابل این کفر و ظلم است که سرمنشأ ناامنی است. در اینجا باور به اصول پنج‌گانه اعتقادی (توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد) پشتوانه و ضمانت اجرایی برای امنیت جامعه می‌گردد. در فقه امنیت مهم‌ترین مسائل امنیتی بر مبنای حفظ مصالح خمس مطرح می‌شود. این مقاصد پنج‌گانه عبارت‌اند از؛ حفظ نفس، حفظ دین، حفظ عقل، حفظ نسب، و حفظ مال. در نگرش فقهی اگر انسان رفتار خود را بر مبنای فرمان‌های الهی تنظیم نماید، صفت مؤمن را به خود می‌گیرد و انسان مؤمن تولیدکننده امنیت است.

بر مبنای آموزه‌های اخلاقی، اگر انسان رفتار خود را بر مبنای اعتدال در قوای چهارگانه (شهوویه، غضبیه، وهمیه و عاقله) تنظیم نماید، صفت «حکیم» را به خود می‌گیرد و انسان «حکیم» تولیدکننده امنیت می‌شود. این حکمت به وسیله حاکمیت عقل بر سایر قوا و با پشتوانه دین حاصل می‌شود.

در نهایت با مراجعه به اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران، نتیجه گرفته شد که، آموزه‌های دینی، نقش محوری در تدوین استراتژی نظامی و امنیتی دارند. حتی این مهم در سطوح خردتر نظام اسلامی ایران نیز، قابل مشاهده است.

واژگان کلیدی: فقه سیاسی * امنیت متعالیه * منابع امنیت در جمهوری اسلامی ایران * مبانی امنیت در اسلام * انسان‌شناسی امنیتی امام خمینی (سعد) * مسائل استراتژیک و نظامی * فقه امنیت

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

فهرست

1	فصل اول؛ کلیات و مفاهیم
2	1.1 مقدمه
2	1.1.1 بیان مسئله
3	2.1.1 ضرورت پژوهش
3	3.1.1 سابقه تحقیق
4	4.1.1 اهداف تحقیق
4	5.1.1 پرسش‌های پژوهش
4	1.5.1.1 سؤال اصلی
4	2.5.1.1 سؤالات فرعی
4	6.1.1 چارچوب نظری تحقیق
5	7.1.1 فرضیه‌های و پیش فرض‌ها
5	8.1.1 روش تجزیه و تحلیل اطلاعات
5	9.1.1 سازمان‌دهی تحقیق
6	2.1 چارچوب مفهومی
6	1.2.1 استراتژی
6	2.2.1 مفهوم ایمان
9	3.2.1 عمل صالح
13	4.2.1 پرهیز از ظلم
16	3.1 تحقق جامعه امن آرمانی در پرتو ایمان، عمل صالح و پرهیز از ظلم
17	4.1 چارچوب نظری
19	5.1 نقش آموزه‌های اعتقادی در دیدگاه امنیتی متعارف و متدانی
21	6.1 دیدگاه امنیتی انسان‌شناسی امام خمینی (س)
24	7.1 جستار سه‌گانه در امنیت متعالیه

1.7.1. اصول اعتقادی و استراتژی‌های امنیتی و نظامی.....25

2.7.1. آموزه‌های فقهی و استراتژی‌های امنیتی و نظامی.....25

3.7.1. آموزه‌های اخلاقی و استراتژی‌های امنیتی و نظامی.....25

فصل دوم؛ نقش آموزه‌های اعتقادی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی با تأکید بر جمهور اسلامی ایران
Error! Bookmark not defined.

1.2 اصول و فروع دین.....**Error! Bookmark not defined.**

2.2 تبیین آموزه‌های اعتقادی در استراتژی‌های امنیتی و نظامی.....**Error! Bookmark not defined.**

1.2.2 اصل اول توحید.....**Error! Bookmark not defined.**

1.2.2.1 جهان‌بینی توحید جهان‌بینی اسلامی.....**Error! Bookmark not defined.**

1.2.2.2 مراتب و درجات توحید.....**Error! Bookmark not defined.**

1.2.2.3 نصاب توحید.....**Error! Bookmark not defined.**

1.2.2.4 مبانی نظری و احکام عملی.....**Error! Bookmark not defined.**

2.2.2 اصل دوم، عدل.....**Error! Bookmark not defined.**

1. 2.2.2.1 موزون بودن:.....**Error! Bookmark not defined.**

2. 2.2.2.2 تساوی.....**Error! Bookmark not defined.**

3. 2.2.2.3 عطا حق.....**Error! Bookmark not defined.**

4. 2.2.2.4 اعطا هر آنچه استحقاق ممکن است.....**Error! Bookmark not defined.**

5. 2.2.2.5 اهمیت عدل.....**Error! Bookmark not defined.**

3.2.2 اصل سوم نبوت.....**Error! Bookmark not defined.**

1. 3.2.2.1 هدف بعثت انبیاء.....**Error! Bookmark not defined.**

2. 3.2.2.2 ضرورت بعثت انبیاء.....**Error! Bookmark not defined.**

3. 3.2.2.3 فواید وجود انبیا.....**Error! Bookmark not defined.**

4.2.2 اصل چهارم امامت.....**Error! Bookmark not defined.**

1. 4.2.2.1 امامت، استمرار نبوت.....**Error! Bookmark not defined.**

2. 4.2.2.2 ضرورت وجود امام.....**Error! Bookmark not defined.**

5.2.2 اصل پنجم معاد.....**Error! Bookmark not defined.**

1. 5.2.2.1 شناخت هدف.....**Error! Bookmark not defined.**

2. 5.2.2. تأثیر اجتماعی شناخت هدف.....**Error! Bookmark not defined.**

3. 5.2.2. اهمیت معاد.....**Error! Bookmark not defined.**

4. 5.2.2. رابطه علیت دوجهان.....**Error! Bookmark not defined.**

3.2. سازوکار امنیت سازی اصول اعتقادی در استراتژی امنیتی و نظامی.....**Error! Bookmark not defined.**

1.3.2. سازوکار امنیت ساز توحید.....**Error! Bookmark not defined.**

2.3.2. سازوکار امنیت ساز عدل.....**Error! Bookmark not defined.**

3.3.2. سازوکار امنیت ساز نبوت.....**Error! Bookmark not defined.**

1.3.3.2. صلح طلبی و پرهیز از تعصب در برخورد با مخالفان.....**Error! Bookmark not defined.**

2.3.3.2. مبارزه با جنگ افروزان و فتنه انگیزان.....**Error! Bookmark not defined.**

3.3.3.2. پرهیز از استبداد و اجبار.....**Error! Bookmark not defined.**

4.3.3.2. ظلم ستیزی.....**Error! Bookmark not defined.**

5.3.3.2. نهی از اطاعت طاغوت.....**Error! Bookmark not defined.**

6.3.3.2. پایبندی به پیمان و برخورد با پیمان شکنان.....**Error! Bookmark not defined.**

7.3.3.2. پایبندی به قوانین الهی.....**Error! Bookmark not defined.**

8.3.3.2. درآمیختن نرمش و قاطعیت.....**Error! Bookmark not defined.**

9.3.3.2. برقراری عدل و قسط.....**Error! Bookmark not defined.**

10.3.3.2. انفاق و رسیدگی به فقیران و محرومان.....**Error! Bookmark not defined.**

4.3.2. سازوکار امنیت ساز امامت.....**Error! Bookmark not defined.**

5.3.2. سازوکار امنیت ساز معاد.....**Error! Bookmark not defined.**

4.2. جایگاه اصول اعتقادی در تدوین استراتژی های امنیتی و نظامی در نظام جمهوری اسلامی ایران.....**Error! Bookmark not defined.**

1.4.2. جایگاه اصول اعتقادی در قانون اساسی.....**Error! Bookmark not defined.**

2.4.2. جایگاه آموزه های اعتقادی در فرمایشات امام خمینی (سعد).....**Error! Bookmark not defined.**

3.4.2. جایگاه آموزه های اعتقادی فرمایشات رهبر معظم انقلاب.....**Error! Bookmark not defined.**

5.2. جمع بندی.....**Error! Bookmark not defined.**

فصل سوم؛ نقش آموزه های فقهی در تدوین استراتژی های امنیتی و نظامی با تأکید بر جمهور اسلامی ایران ... **Error! Bookmark not defined.**

1.3	تعریف فقه	Error! Bookmark not defined.
2.3	تعریف فقه سیاسی	Error! Bookmark not defined.
3.3	فقه امنیت	Error! Bookmark not defined.
4.3	منابع فقهی امنیت	Error! Bookmark not defined.
1.4.3	حفظ نفس یا امنیت فردی	Error! Bookmark not defined.
1.1.4.3	آسیب‌ها و تهدیدهای امنیت فردی	Error! Bookmark not defined.
2.1.4.3	سازوکار تأمین امنیت فردی	Error! Bookmark not defined.
2.4.3	حفظ نسب یا امنیت خانوادگی	Error! Bookmark not defined.
1.2.4.3	آسیب‌ها و تهدیدهای امنیت خانوادگی	Error! Bookmark not defined.
2.2.4.3	سازوکار تأمین امنیت خانوادگی	Error! Bookmark not defined.
3.4.3	حفظ دین یا امنیت فرهنگی	Error! Bookmark not defined.
1.3.4.3	آسیب‌ها و تهدیدهای امنیت فرهنگی	Error! Bookmark not defined.
2.3.4.3	سازوکار تأمین امنیت فرهنگی	Error! Bookmark not defined.
4.4.3	حفظ مال یا امنیت اقتصادی	Error! Bookmark not defined.
1.4.4.3	آسیب‌ها و تهدیدهای امنیت اقتصادی	Error! Bookmark not defined.
2.4.4.3	سازوکار تأمین امنیت اقتصادی	Error! Bookmark not defined.
5.4.3	حفظ عقل یا امنیت روانی	Error! Bookmark not defined.
1.5.4.3	آسیب‌ها و تهدیدهای امنیت روانی	Error! Bookmark not defined.
1.5.4.3	سازوکار تأمین امنیت روانی	Error! Bookmark not defined.
5.3	جایگاه فقه در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی در نظام جمهوری اسلامی ایران	Error! Bookmark not defined.
1.5.3	جایگاه آموزه‌های فقهی در قانون اساسی	Error! Bookmark not defined.
2.5.3	جایگاه آموزه‌های فقهی در فرمایشات امام خمینی (س)	Error! Bookmark not defined.
3.5.3	جایگاه آموزه‌های فقهی فرمایشات رهبر معظم انقلاب	Error! Bookmark not defined.
6.3	جمع‌بندی	Error! Bookmark not defined.
	فصل چهارم؛ نقش آموزه‌های اخلاقی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران	Error! Bookmark not defined.
1.4	جایگاه علم اخلاق	Error! Bookmark not defined.

2.4	تعریف اخلاق.....	Error! Bookmark not defined.
3.4	پیشینه پژوهش های علم اخلاق.....	Error! Bookmark not defined.
4.4	دیدگاه امام خمینی (س) نسبت به علم اخلاق.....	Error! Bookmark not defined.
5.4	کاربردهای امنیتی انسان‌شناختی امام خمینی (س).....	Error! Bookmark not defined.
6.4	اخلاق صفاتی.....	Error! Bookmark not defined.
1.6.4	اخلاق رذایلی (مؤلفه‌های امنیت سوز).....	Error! Bookmark not defined.
1.1.6.4	شهوة.....	Error! Bookmark not defined.
2.1.6.4	غضب (سبعیت).....	Error! Bookmark not defined.
3.1.6.4	وهم (شیطنت).....	Error! Bookmark not defined.
4.1.6.4	عقل.....	Error! Bookmark not defined.
2.6.4	اخلاق فضائلی (سازوکار امنیت ساز).....	Error! Bookmark not defined.
1.1.6.4	سازوکار تأمین امنیت در قوه شهویه (عفت).....	Error! Bookmark not defined.
2.1.6.4	سازوکار تأمین امنیت در قوه غضبیه (شجاعت).....	Error! Bookmark not defined.
3.1.6.4	سازوکار تأمین امنیت در قوه واهمه (عدالت).....	Error! Bookmark not defined.
4.1.6.4	سازوکار تأمین امنیت در قوه عاقله (حکمت).....	Error! Bookmark not defined.
7.4	اخلاق رفتاری (آداب).....	Error! Bookmark not defined.
1.7.4	تأثیر متقابل اخلاق و آداب (عمل) در آیات قرآن و روایات.....	Error! Bookmark not defined.
8.4	جایگاه آموزه‌های اخلاقی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی در نظام جمهوری اسلامی ایران	Error! Bookmark not defined.
		defined.
1.8.4	جایگاه آموزه‌های اخلاقی در قانون اساسی.....	Error! Bookmark not defined.
2.8.4	جایگاه آموزه‌های اخلاقی در فرمایشات امام خمینی (س).....	Error! Bookmark not defined.
3.8.4	جایگاه آموزه‌های اخلاقی در فرمایشات مقام معظم رهبری.....	Error! Bookmark not defined.
9.4	جمع‌بندی.....	Error! Bookmark not defined.
		خاتمه
		1. نتیجه‌گیری رساله.....
		2. انتقادات و پیشنهادها.....
		کتاب‌نامه.....

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

فصل اول؛ کلیات و مفاهیم

1.1 مقدمه

1.1.1 بیان مسئله

آموزه‌های دینی دربردارنده نقش محوری در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی می‌باشند. پیرامون تشریح مبانی دینی، دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است. آنچه در این تحلیل‌ها مورد توجه قرار نگرفته است، نگرش منظومه‌ای به دین است. همین نگرش نظام‌مند به دین است که ضرورت استخراج الگوی مطرح شد را دوچندان می‌کند. سؤال محوری که در این پژوهش مطرح شده این است که نقش آموزه‌های اسلامی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی در جمهوری اسلامی ایران چیست؟

پیرامون پاسخ به سؤال محوری طرح شده نگارنده با به‌کارگیری دیدگاه انسان‌شناسی امام خمینی (س) تأثیر آموزه‌های دینی را در سه بعد بیان می‌کند. از منظر امام خمینی (س) انسان سه لایه وجودی دارد که عبارت‌اند از عقل، نفس و جسم. در دیدگاه حضرت امام (س) اصول اعتقادی برای راهنمای عقل انسان و مفاهیم اخلاقی در جهت تربیت و تهذیب نفس آدمی و آموزه‌های فقهی به‌منظور راهبرد مربوط به جسم آدمی در نظر گرفته شده است.

بنابراین، در بعد عقلی بحث از جهان‌بینی و حب و بغض است، اما نفس دربردارنده بخش فضائل و رذایل است و رفتار نیز حوزه کنش‌ها را در برمی‌گیرد. (لذا اگر حرکت در سه بعد باشد، یعنی هم عقل و هم اخلاق و هم رفتار اصلاح شود در واقع انسان کامل شکل گرفته است و این همان تغییر جوهری است.

اما اگر تغییر در یکی از این‌ها صورت گرفته باشد این تغییر در اعراض است.) با این توصیف در حوزه امنیت، این نگرش همان چیزی است که از آن با عنوان امنیت متعالیه یاد می‌کنیم. نظریه امنیت متعالیه در مقابل نظریه‌های امنیتی دیگر قرار می‌گیرد که از آن با عنوان امنیت متدانیه یا متعارف یاد می‌کنیم. نظریه‌های امنیتی متعارف تنها بقاء دنیوی را مدنظر دارند و بقاء اخروی را مورد توجه قرار نداده‌اند. در امنیت متدانیه علاوه بر انکار سعادت ابدی، به مبارزه با آن نیز، برمی‌خیزد. برخلاف امنیت متعالیه که هم بقاء دنیوی و هم بقاء اخروی را مدنظر قرار می‌دهد. این نگرش در بعد نظامی نیز جاری است.

از سوی دیگر چون نگارنده فرضیه‌ای را در نظر ندارد لذا متغیر هم تعیین نمی‌کند و پاسخ به سؤال اصلی را در چهارفصل پیش‌روی مخاطب خود قرار می‌دهد به این بیان که فصل اول شامل چارچوب نظری، فصل دوم تأثیر آموزه‌های اعتقادی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران، فصل سوم جایگاه احکام فقهی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران و فصل چهارم نقش باورهای اخلاقی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران را مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

2.1.1 ضرورت پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل علمی و ارائه مقدمه‌ای برای تدوین نظریه امنیتی در نظام جمهوری اسلامی ایران است و با توجه به خلأ نظریه راهبردی در جمهوری اسلامی ایران، مراکز راهبردی و تصمیم‌گیری کلان نظام جمهوری اسلامی نیز می‌توانند از این پژوهش بهره‌مند شوند.

3.1.1 سابقه تحقیق

منابع اصلی این تحقیق برگرفته از دیدگاه استاد گرامی حضرت حجت‌الاسلام دکتر نجف لک‌زایی و حاصل تلاش چندین ساله ایشان پیرامون مسائل امنیتی و فلسفی است که محور اصلی آن نظریه امنیت متعالیه است. همچنین از پژوهش‌های دیگر جناب استاد در تحلیل نظریه امنیتی حضرت امام خمینی (سعد)، آیت‌الله جوادی، شهید بهشتی و... نیز می‌توان یادکرد.

در کنار فعالیت‌های حضرت استاد، پژوهشگران دیگری نیز در حوزه نگاه دین به امنیت و تأثیر باورهای دینی در مباحث امنیتی و نظامی پژوهش‌های انجام داده‌اند که می‌توان به فعالیت‌های دکتر شیخ عطار در مورد هند و همچنین پژوهش‌های آقای اصغر افتخاری در مورد نقش مسائل اخلاقی در امریکا

اشاره کرد. همچنین با جستجو در کتب و مقالات دیگر شاهد آن هستیم که برخی از پژوهشگران نقش دین در امنیت را بررسی کرده، اما نکته‌ای که به آن توجه نشده، عدم تفکیک دین و تأثیرگذاری بخش‌های خاص است و لذا در مقالات و کتبی که در این باره تدوین شده، شاهد نوعی کلی‌نگری و استفاده با نگرش خاص و بدون چارچوب نظری محکم و مستدل از آیات و روایت هستیم.

آنچه تحقیق حاضر را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌کند بهره‌گیری از دیدگاه حضرت امام خمینی (ع) و نگرش ایشان به انسان در سه بعد عقل، نفس و جسم به منظور تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی است که این خود نوآوری پژوهش حاضر است.

4.1.1 اهداف تحقیق

هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل علمی و ارائه مقدمه‌ای برای تدوین نظریه امنیتی در نظام جمهوری اسلامی ایران است و با توجه به خلأ نظریه راهبردی در جمهوری اسلامی ایران، ضروری به نظر رسید که کوشش‌ها برای ارائه نظریه کلان از سوی مراکز حوزوی و دانشگاهی آغاز شود و از سوی دیگر مراکز تصمیم‌گیری کلان نظام جمهوری اسلامی نیز می‌توانند از دستاوردهای این پژوهش بهره‌مند شوند.

5.1.1 پرسش‌های پژوهش

1.5.1.1 سؤال اصلی:

نقش آموزه‌های اسلامی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

2.5.1.1 سؤالات فرعی:

1. نقش آموزه‌های اعتقادی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران چیست؟
2. نقش آموزه‌های فقهی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران چیست؟
3. نقش آموزه‌های اخلاقی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

6.1.1 چارچوب نظری تحقیق

پژوهش حاضر برگرفته از نظریه انسان‌شناسی امام خمینی (ع) است که بر اساس لایه‌های سه‌گانه انسان (عقل، نفس، جسم) آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و فقهی را جهت کمال انسان بیان می‌فرمایند. در این دیدگاه و به شکل خاص در اسلام تهدید از فرد شروع می‌شود لذا امنیت سازی نیز باید از فرد شروع شود. با این

بیان و با توجه به حضور همیشگی تهدید کنندگان امنیت انسان (همچون شیطان) تهدید هیچ‌گاه حذف نخواهد شد.

7.1.1 فرضیه‌های و پیش فرض‌ها

با توجه به اکتشافی بودن موضوع، پژوهش حاضر از هیچ‌گونه فرضیه‌ای استفاده نمی‌برد. آنچه در تبیین پیش فرض‌های این پژوهش باید به آن اشاره کرد این است که، نگارنده بر این باور است؛ استراتژی‌های امنیتی و نظامی در هر کشوری ریشه در ارزش‌های آن کشور دارد. برای مثال فلسطین اشغالی نمونه بارز این ادعا است. به شکلی که بسیاری از راهبردهای کلان اسرائیل برگرفته از آموزه‌های تورات است. همچنین بسیاری از گروه‌های نظامی و شبهه نظامی که امروز امنیت مناطق اسلامی را به خطر انداخته‌اند راهبرد کلان خود را برگرفته از باورهای اسلامی می‌دانند. بنابراین نگارنده در این پژوهش به دنبال تأثیر باورهای اسلامی در تدوین راهبردهای کلان نظام جمهوری اسلامی ایران است.

8.1.1 روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این پژوهش نگارنده می‌کوشد با بهره‌گیری از روش تحلیلی و توصیفی نقش آموزه‌های دین را در سه بعد اعتقادی، اخلاقی و فقهی مورد بررسی قرار دهد.

9.1.1 سازمان‌دهی تحقیق

فصل اول : چارچوب نظری و مفاهیم؛

فصل دوم: نقش آموزه‌های اعتقادی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران؛

فصل سوم: نقش آموزه‌های فقهی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران؛

فصل چهارم: نقش آموزه‌های اخلاقی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران؛

2.1. چارچوب مفهومی

1.1.2.1 استراتژی

واژه استراتژی از ریشه یونانی «strategema» است که خود از واژه «strategos» به معنای ژنرال ارتش مشتق شده است. «stratos» به معنی ارتش و «ago» به معنای هدایت است. بنابراین واژه مزبور به معنای هدایت ارتش می باشد. به لحاظ تاریخی نیز «strategos» عنوان افسران عالی رتبه‌ی ارتش بیزانس بوده که یک منطقه نظامی - مترادف با یک سپاه نظامی مدرن - تحت فرمان آنها قرار داشته است. معمولاً «strategos» حاکم منطقه‌ای نظامی بود که نیروهایش را در آنجا گرد می آورد یا پایگاه نیروهایش را در آنجا قرار می داد اما در عمل «strategem» به مفهوم هر اقدام یا مانور اطلاق می شود که هدف آن فریب یا غافلگیری دشمن باشد و در نتیجه استراتژی نیز یک روش، طرح یا «strategem» برای نیل به یک هدف تعریف شد.¹

مفهوم استراتژی محدود به بعد نظامی نیست. انجمن مطالعات عالی نظامی وابسته به پنتاگون یا وزارت دفاع امریکا نیز در 1963 تعریف مشابه‌ای از استراتژی به دست داد: «استراتژی علم فن و توسعه و کاربرد قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت به هنگام صلح و جنگ و به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاستهای ملی و افزایش احتمال پیروزی و تقلیل احتمال شکست است». استراتژی اساساً درباره راه‌هایی است که می توان قدرت نظامی را به منظور کسب اهداف سیاسی به کار گرفت و... جنگ تنها یکی از راه‌هایی است که می توان از قدرت نظامی برای تحصیل اهداف سیاسی استفاده کرد.²

2.2.1 مفهوم ایمان

ایمان از واژه (امن) به معنای "امنیت" گرفته شده است.³ علامه طباطبائی در تفسیر المیزان پیرامون تشریح این واژه می فرماید؛ ایمان، عبارت است از جای گیر شدن اعتقاد در قلب، و این کلمه از ماده (ء-م-ن) اشتقاق یافته، کأنه شخص باایمان، به کسی که به درستی و راستی و پاکی وی اعتقاد پیدا کرده، امنیت می دهد، یعنی

¹ علیرضا ازغندی، جلیل روشندل، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، چ 13، تهران، سمت، 1391، ص 5

² همان، ص 5.

³ مصطفی پاینده، ترسیم خطوط کلی ایمان از دیدگاه قرآن، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، پائیز 1372، ص 15.

آنچنان دل گرمی و اطمینان می دهد که هرگز در اعتقاد خودش دچار شک و تردید نمی شود، چون آفت اعتقاد و ضد آن شک و تردید است.¹

بر مبنای آموزه های قرآنی، هریک از ابعاد مادی و معنوی امنیت، ریشه در باورهای ایمانی و اعتقادی انسان دارد و در سوی مقابل این کفر و ظلم است که سرمنشأ ناامنی ست. در دیدگاه قرآن، امنیت در حوزه های فردی، اجتماعی، نظامی و برخاسته از ایمان به خدا و اطاعت از فرمان های الهی دارد که آثار خود را در تهذیب و تربیت فرد و جامعه خواهد گذاشت و آن ها در برابر انواع ناامنی ها آماده می کند. از جمله مواردی که امنیت اخروی انسان را تهدید می کند، خطر عذاب آخرت است که خداوند تبارک و تعالی، ایمان به آخرت را شرط ایمنی از این عذاب دردناک قرار داده است و همچنین بهشت و مأوای امن خود را تنها در گروه همین ایمان و پرهیزگاری قرار داده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُجْزِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (10) تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَالِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»²

(ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شمارا به تجارتي راهنمایی کنم که شمارا از عذاب دردناک رهایی می بخشد؟! (10) به خدا و پیامبرش ایمان آورید و با اموال و جان هایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما (از هر چیز) بهتر است اگر بدانید.)

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (45) أَدْخُلُوها بِسَلَامٍ آمَنِينَ»³

«به یقین، پرهیزگاران در باغ های (سرسبز) بهشتی و در کنار چشمه ها هستند. (45) (فرشتگان به آن ها می گویند:) داخل این باغ ها شوید با (نهایت) سلامت و امنیت!»

آموزه های دینی، ما را به این امر رهنمود می نماید که، ایمان به خدا در کنار استقامت و پایداری بر آن موجبات آرامش روانی مؤمنین را به عنوان مهم ترین مقوله امنیت فراهم می سازد، تا جایی که نه ترسی بر آن ها چیره می شود و نه غمناک می شوند:

¹ سید محمدحسین طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ دهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، تابستان 1377، ج 1، ص 73

² صف (61)، آیات 10 و 11.

³ حجر (15)، آیات 45 و 46.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱

«کسانی که گفتند: «پروردگار ما «خداوند یگانه» است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند.»

مؤمن واقعی کسی است که یقین به عدم استقلال خود و ماسوی الله دارد و می داند هیچ سببی جز به اذن خدا اثر نمی کند:

«فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»^۲

«شما آنان را نمی کشتید ، خدا بود که آنها را می کشت و آنگاه که تیر می انداختی ، تو تیر نمی انداختی ، خدا بود که تیر می انداخت»

لذاست هیچ حادثه مکروهی انسان مومن را محزون نمی سازد و از هیچ محذور احتمالی نمی ترسند و الا اگر این مقام را نداشته باشند ممکن نیست هیچ گونه حزن و غمی برای آنها نباشد:^۳

«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۴

«آگاه باشید! (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند.»

به بیان دیگر، از دیدگاه اسلام، کاری ارزشمند است که به وسیله نیت با خداوند مرتبط شود و چنین نیتی که رابطه با خدا را تحقق بخشد از کسانی متمشی خواهد شد که به خاطر خدا یا ترس از عذاب و یا امید به پاداش وی کاری را انجام دهند پس حتماً باید ایمان به خدا و روز جزا داشته باشند؛ زیرا، تا کسی ایمان به خدا نداشته باشد نمی تواند کاری را به خاطر خداوند انجام دهد و تا ایمان به روز قیامت نداشته باشد که روز حساب و پاداش و کیفر است نمی تواند برای امید به پاداش خدا یا ترس از عذاب وی کاری

^۱. احقاف(46)، آیه 13.

^۲. انفال(8)، آیه 17.

^۳. سید هاشم حسینی بوشهری، حدیث ایمان، قم، شهاب الدین، 1388، ص 26.

^۴. یونس(10)، آیه 62.

انجام دهد. بنابراین، ایمان نقش اساسی دارد و اگر کسی بخواهد برای امید به پاداش خدا یا ترس از عذاب وی کاری انجام دهد باید به روز قیامت که روز حساب و جزاست ایمان داشته باشد.¹

با توجه به آنچه بیان شد، می توان این گونه استدلال نمود که چون انسان، موجودی اجتماعی در نظر گرفته شده است، اگر به خدا ایمان بی آورد و در جهت اجرای شریعت و عمل به دستورات خدا قدم بردارد، که مهم ترین آن اجرای عدالت و نفی ظلم است، امنیت حقیقی در جامعه انسانی برقرار می شود. وقتی که انسان ایمان می آورد و دعوت حق را قبول می کند در واقع در سه سطح به خودسازی پرداخته است، سطح اعتقادات و باورها، سطح عمل و رفتارها و در نهایت کسب فضائل و دفع رذایل. در اینجا ایمان پشتوانه و ضمانت اجرایی برای اخلاق فاضله می گردد. جامعه ای که انسان های مؤمن دارد. این انسان ها هم خودشان امنیت دارند و هم در اجتماع امنیت ساز هستند.²

3.2.1. عمل صالح

ایمان چنانکه از ظواهر آیات استفاده می شود، امری قلبی و درعین حال، اختیاری است و با علم و عقیده فرق می کند؛ زیرا، علم ممکن است به شکل غیر اختیاری برای انسان حاصل شود ولی، ایمان چنین نیست و چنین علم و عقیده ای ایمان نیست و کاملاً امکان پذیر است کسی عالم به چیزی باشد و در همان حال نسبت به آن کفر ورزد. و بدیهی است این کفر که با علم به حقانیت توأم است، خیلی بدتر از کفری است که از روی جهل باشد. به هر حال ایمان عین علم نیست و با آن فرق می کند.³ چنانکه خداوند می فرماید:

«وَجَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا»⁴

«فرعونیان از روی ستم و برتری جویی) به آیات خدا کفر ورزیدند درحالی که در دل به

آنها یقین داشتند.»

¹ محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج 6، قم، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، بهار 1387، ج 1، صص 91-93.

² صدیقه لکزایی، بررسی مناسبات ایمان و امنیت در قرآن با تکیه بر نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبائی، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اسلامی، سال پنجم، شماره 19، پائیز 1389، ص 87.

³ محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج 1، ص 117.

⁴ نمل (27)، آیه 14.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

پس نتیجه می‌گیریم که ایمان، یک عمل اختیاری مربوط به قلب است.^۱ با این حال علم سرچشمه ایمان و گرایش است و لازمه آن، تصمیم اجمالی بر عمل کردن به لوازم آن است. از این رو، اگر کسی به حقیقتی آگاه است ولی تصمیم دارد که هیچ‌گاه به لوازم آن، عمل نکند، به آن ایمان نخواه داشت. حتی اگر قدری به آن حقیقتی که از آن آگاه است شک داشته باشد، باز هم هنوز ایمان نیاورده است.^۲ خداوند در قرآن کریم درباره حقیقت ایمان می‌فرماید:

«قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ»^۳

«اعراب گفتند ایمان آوردیم، بگو: ایمان نیاورده‌اید بگوئید اسلام آورده‌ایم و هنوز ایمان

در دل‌های شما وارد نشده است.»

ایمان همانند پازلی است که باید تمام قطعات آن کنار هم باشد و علاوه بر باور ظاهری، در باطن نیز مورد پذیرش قرار گرفته باشد. لذا مؤمنانی که ظاهراً اسلام را پذیرفته‌اند اما هنوز در اعماق جان آن‌ها نفوذ نکرده است، اینجا است که از آن‌ها دعوت می‌شود که از صمیم دل و در درون جان مؤمن شوند^۴:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي

أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبرش، و کتابی که بر او نازل کرده، و کتب

آسمانی که پیش از آن فرستاده است، ایمان (واقعی) بیاورید. کسی که خدا و فرشتگان

او و کتابها و پیامبرانش و روز واپسین را انکار کند، در گمراهی دوری افتاده است.»^۵

در این آیه شریفه مؤمنین را باینکه ایمان آورده‌اند دستور می‌دهد برای بار دوم ایمان بیاورند و اینکه گفتیم برای بار دوم ایمان بیاورند به خاطر دو قرینه بود، قرینه اول اینکه متعلق ایمان دوم را به‌طور تفصیل شرح می‌دهد و می‌فرماید: به خدا و رسول او و کتاب او ایمان بیاورید ... و قرینه دوم این است که

^۱ محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۱۱۸.

^۲ سید هاشم حسین بوشهری، حدیث ایمان، ص ۱۹۷.

^۳ حجرات (۴۹)، آیه ۱۴.

^۴ ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ج ۳۶، تهران، دارالکتب السلامیه، ج ۴، ص ۱۶۶.

^۵ النساء (۴)، آیه ۱۳۶.

تهدید کرده که اگر به تک تک این جزئیات و تفصیل ایمان نیاورید به ضلالتی بعید گمراه شده‌اید، پس معلوم می‌شود که مراد از ایمان اول ایمان به‌طور اجمال و سر بسته و در بسته است و مراد از ایمان دوم، ایمان به تفصیلی است که در آیه بیان نموده و حاصل مضمون آیه این است که مؤمنین باید ایمان سر بسته و اجمالی خود را بر تک تک این جزئیات بگسترند، برای اینکه این جزئیات معارفی هستند که به یکدیگر مرتبط و وابسته‌اند و هر یک مستلزم بقیه است. پس ایمان به یکی از آن حقایق و معارف تمام نمی‌شود مگر با ایمان به همه آن معارف، بدون اینکه یکی از آن‌ها استثناء شده و در نتیجه به بعضی از آن‌ها ایمان بیاورند و به بعضی دیگر کفر بورزند که اگر چنین کنند در حقیقت به همه کفر ورزیده‌اند، چیزی که هست اگر علنی باشد، کافر و اگر باطنی باشد، منافق خواهند بود.¹

یکی از مصادیق نفاق این است که مؤمنی که اظهار ایمان می‌کند روش و مسیری را پیش بگیرد که در آخر منتهی شود به رد بعضی از آن معارف و احکام، مثلاً از مجتمع مؤمنین کنار بکشد و به طرف مجتمع کفار نزدیک گردد و آن‌ها را دوست خود بگیرد و خرده‌گیری‌هایی که آنان به دین و اهل ایمان دارند تصدیق کند و یا اعتراض و استهزایی که آنان نسبت به حق و اهل حق دارند بپذیرد و به همین جهت بوده که خدای تعالی بعد از این آیه متعرض حال منافقین شده و آنان را به عذاب الیم تهدید کرده است.²

پس از این که ایمان از مرحله علم و زبان به جایگاه باور قلبی رسید، در مرحله بعد باید به عمل منتهی شود. چراکه بدون شک اگر علم و باور قلبی، به عمل منجر نشود، نمی‌توان انتظار تحقق وعده سعادت و امنیت الهی را داشت. با جست‌وجوی کوتاه در قرآن به این نتیجه می‌رسیم که در موارد متعددی واژه "عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ" در تعقیب واژه "آمَنُوا" به کار برده شده است که این خود دال بر نقش محور عمل صالح در کنار ایمان است.³

1. سید محمدحسین طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج 5، ص 18

2. همان، ج 5، ص 183

³ از جمله مواردی که می‌توان به کنار هم واقع شدن این دو واژه در قرآن استناد کرد عبارت است از: بقره(2)، آیات 25، 82 / آل عمران،(3)، آیه 57 / نساء(4) آیات 57، 112، 173 / مائده(5)، آیات 9 و 93 / اعراف(7)، آیات 42 و 153 / یونس(10)، آیات 4 و 90 / هود(11)، آیه 32 / رعد(13)، آیه 29 / ابراهیم(14)، آیه 23 / کهف(18)، آیات 30 و 107 / مریم(19)، آیه 96 / حج(22) آیات 14، 50 و 56 / نور(24)، آیه 55 / عنکبوت(29)، آیات 7، 9 و 58 / روم(30)، آیات 15 و 45 / لقمان(31)، آیه 8 / سجده(32)، آیه 19 و..... بعلاوه بر آیات بیان شده، ده‌ها آیه دیگر نیز به همین ترتیب بر جایگاه محوری عمل صالح در کنار ایمان اشاره نموده‌اند که نبین آن از حوصله پژوهش حاضر، خارج است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱

«کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند، اجرشان نزد پروردگارشان (محفوظ) است؛ نه ترسی بر آنهاست، و نه اندوهگین می شوند.»

«وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»^۲

«اما کسانی که ایمان آوردند، و کارهای شایسته انجام دادند، خداوند پاداش آنان را بطور کامل خواهد داد و خداوند، ستمکاران را دوست نمی دارد.»

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ»^۳

«و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، آنان را در غرفه‌هایی از بهشت جای می دهیم که نهرها در زیر آن جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند، چه خوب است پاداش عمل کنندگان!»

بنابراین هرچند ایمان به خدا، استقامت و پایداری در آن موجبات آرامش روانی مؤمنین را به عنوان مهم‌ترین مقوله امنیت فراهم می‌سازد، اما در کنار آن تأمین امنیت خصوصاً در ابعاد مختلف اجتماعی و نظامی و... نیازمند عملی شدن فرمان‌ها الهی و گذر از حوزه باور به حوزه عمل با در نظر گرفتن سازوکارهای مختلفی است که در آیات متعدد قرآن و سایر آموزه‌های اسلامی بر آن‌ها تأکید شده است. از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود؛ ضرورت تشکیل حکومت اسلامی توسط افراد صالح و واجد شرایط، لزوم قانون‌گذاری و مدیریت جامعه بر اساس آموزه‌های اصیل اسلامی، تهیه قدرت نظامی و سایر

^۱. بقره(2)، آیه 277.

^۲. آل عمران(3)، آیه 57.

^۳. العنکبوت(29)، آیه 58.

سازوکارهای لازم، مجازات قانون‌شکنان و متخلفان، ایستادگی در مقابل دشمنان داخلی و خارجی و... که همه در تأمین امنیت فردی و اجتماعی و نظامی نقش دارند.

بر این اساس اگر مشاهده می‌شود بعضی افراد مسلمان یا جوامع اسلامی در بعد اجرای تأمین امنیت، با آسیب‌ها و نواقصی روبرو هستند، ریشه آن را باید در فقدان تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظامی بر پایه آموزه‌های دینی جستجو کرد. با این بیان عمل صالح، یکی از محوری‌ترین مؤلفه‌های تأمین امنیت است.

ممکن است این شبهه به ذهن خطور نماید که؛ در دورانی کنونی، جوامع فراوانی هستند که بر مبنای تقسیم‌بندی بیان شد، در زمره انسان‌های متعارف و حتی متدانی قرار می‌گیرد، اما در عین حال از سطح بالایی از امنیت برخوردار هستند. به گونه‌ای که کشورهای به الگوی متعالی نزدیک‌تر می‌باشند، گاهی مواقع از چالش‌های امنیتی بیشتری رنج می‌برند.

در پاسخ به این شبهه باید گفت که هر سه نظریه امنیتی، در سطح مادی با یکدیگر برابر هستند، در این سطح از امنیت هر جامعه‌ای تلاش بیشتری انجام دهد، بدون شک از سطح امنیت بالاتری برخوردار است و این موضوع، امری طبیعی است. آنچه نظریه امنیت متعالی را از دیگر نظریه‌ها متمایز می‌کند، توجه به دو سطح مادی و معنوی است. به خلاف دو دیدگاه دیگر که امنیت را تنها در سطح مادی، جستجو می‌نماید.

4.2.1. پرهیز از ظلم

ظلم عبارت است از خروج از اعتدال و میانه‌روی، که علاوه بر ایمان و عمل صالح به‌عنوان دو اصل محوری در تأسیس و تأمین جامعه امن اسلامی، پرهیز از ظلم نیز به‌عنوان محور سوم در تدوین راهبردهای کلان امنیتی و نظامی در نظر گرفته شده است. آیه 82 سوره مبارکه انعام به‌روشنی به این مطلب رهنمود می‌نماید:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ، وَهُمْ مُهْتَدُونَ»

«کسانی که ایمان آورده، و ایمان خود را آمیخته با ظلم نکردند ایشان امنیت دارند، و

راه را یافته‌اند»

در این آیه ظلم را شرک و نقطه مقابل ایمان شمرده است، چون اهداء و ایمنی از ضلالت و یا عذاب را که اثر ضلالت است مترتب برداشتن صفت ایمان و زایل گشتن صفت ظلم کرده است.^۱

آیه مورد بحث در هر حال متضمن تأکیدی است قوی. نتیجه این تأکیدهای پی‌درپی، این است که نباید به هیچ وجه در اختصاص «امن» و «اهتداء» به مؤمنینی که چراغ ایمان را در پس پرده ظلم قرار ندادند، شک و تردید نمود، و از این رو آیه شریفه دلالت می‌کند بر اینکه «امن» و «اهتداء» از خواص و آثار ایمان است، البته به شرط اینکه ایمان به وسیله ظلم پوشیده نشود. چون کلمه «لبس» که در آیه است به معنای «ستر» است، هم چنان که راغب هم در مفردات خود گفته که: اصل ماده «لبس» - به فتح لام - به معنای «ستر» است^۲ و این تعبیر کنایه‌ای است که حقیقت دیگری را به ما می‌فهماند، و آن این است که ظلم اصل ایمان را باطل نمی‌کند، چون ایمان جزو فطرت انسانی و غیر قابل بطلان است، بلکه ظلم تنها باعث پوشیده شدن ایمان می‌گردد به طوری که دیگر نمی‌تواند اثر صحیح خود را بروز دهد.^۳

از سوی دیگر با مراجعه به آیات کریمه قرآن به این نتیجه رهنمود خواهیم شد که تمام اشکال و صور فردی و اجتماعی ظلم از سوی خداوند متعال مورد نهی قرار گرفته است. برای مثال و به عنوان نمونه می‌توان به آیات ذیل اشاره نمود:

نظیر اینکه خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»^۴ (شرک ستمی بزرگ است). که ظلم در زمینه اعتقاد و عمل فرد بکار رفته است. و یا در جای دیگر می‌فرماید: «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا»^۵ (پروردگارا، ما به خود ظلم کردیم. یعنی، مرتکب گناه شدیم و در اینجا ظلم در محدوده خصوصی زندگی فرد بکار رفته است. «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^۶ (پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد). که در اینجا بعد حکومتی و حوزه اجتماعی آن مورد توجه قرار گرفته است.

^۱ سید محمدحسین طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج 1، ص 47.

^۲ مفردات راغب، ص 447.

^۳ سید محمدحسین طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج 7، ص 279.

4. لقمان (31)، آیه 13.

5. اعراف (7)، آیه 23.

6. بقره (2)، آیه 124.

با این بیان، مؤمن راستین نه تنها باید به خداوند ایمان داشته و عمل صالح انجام دهد، بلکه باید از تمام ابعاد فردی و اجتماعی ظلم نیز پرهیز کند و زمانی که از این امر حاصل شد، خود به عنوان تولید کننده امنیت مطرح می شود:

«لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^۱ «نه ستم می کنید و نه مورد ستم قرار می گیرید»

جمله «لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» در حقیقت یک شعار وسیع پرمایه اسلامی است که می گوید: به همان نسبت که مسلمانان باید از ستمگری به پرهیزند از تن دادن به ظلم و ستم نیز باید اجتناب کنند، اصولاً اگر ستم کش نباشد ستمگر کمتر پیدا می شود و اگر مسلمانان آمادگی کافی برای دفاع از حقوق خود داشته باشند کسی نمی تواند به آن ها ستم کند باید پیش از آنکه به ظالم بگوییم ستم مکن به مظلوم بگوییم تن به ستم مده.^۲

نتیجه دیگری که می توان از این آیات گرفت این است که اگر در جامعه ایمان به خدا نباشد و یا اینکه رهبران جامعه از ظلم بری نباشند و یا اگر مردم جامعه، حتی در ابعاد فردی به خود ظلم کرده باشند و یا ظلم ظالم را پذیرفته باشند، محیط زندگی آن های از امنیت متعالی برخوردار نیست. هرچند که در ابعاد مادی و ظاهری از امنیت برخوردار باشند اما هیچ گاه از محبت و هدایت الهی برای دستیابی به امنیت واقعی برخوردار نخواهند بود:

«وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»^۳ «خداوند، ستمگران را دوست نمی دارد.»

«وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»^۴ «خداوند، گروه ستمکاران را هدایت نخواهد کرد.»

نکته ای دیگری که باید به آن توجه نمود این است که، عدل و ظلم، دو واژه هستند که در اصل لغت، برای دو مفهوم دقیقاً متقابل، وضع شده اند؛ ولی، در کاربرد شایع و متعارف، مفهوم یکی از آن دو، در ارتباط با مفهوم اصلی لغوی و معنای نخستین آن، ویژگی و خصوصیت بیشتری پیدا کرده است؛ از این رو، اگر در قرآن کریم، موارد استفاده از کلمات عدل و ظلم را بررسی کنیم، این حقیقت را می یابیم که این تقابل

1. بقره (2)، آیه 279.

2. ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج 2، ص 377.

3. آل عمران (3) آیه 57.

4. بقره (2)، آیه 258.

دقیق مفهومی، میان آن دو رعایت نشده و چنین نیست که هر جا ظلم نباشد، واژه عدل بتواند مورد استفاده قرار گیرد. بررسی ناقصی که در موارد کاربرد «عدل» انجام گرفته است، چنین نتیجه می دهد که در قرآن، «عدل» پیوسته در «عدالت اجتماعی» به کار رفته در حالی که مفهوم ظلم چنین نیست و در موارد غیر اجتماعی نیز بکار رفته است.¹

3.1. تحقق جامعه امن آرمانی در پرتو ایمان، عمل صالح و پرهیز از ظلم

خدای متعالی تحقق جامعه امن آرمانی اسلامی بر روی زمین را درگرو ایمان، عمل صالح و پرهیز از ظلم (بزرگ ترین نوع آن که شرک به خالق یکتاست) وعده داده است:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»²

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده است که به یقین، خلافت روی زمین را به آنان خواهد داد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، بر ایشان پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، (به گونه ای) که فقط مرا می پرستند و چیزی را همتای من قرار نخواهند داد. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها همان فاسقان اند.»

آنچه این جامعه آرمانی اسلامی را از سایر جوامعی که در طول تاریخ بشری پدیدار شده اند و خواهند شد متمایز و ممتاز می سازد، فقط جهان بینی و ایدئولوژی آن است. این جامعه آرمانی جامعه ای است که افراد آن در مسیر سعادت و کمال حقیقی خود گام می زنند و تلاش و کوشش می کنند، و به عبارت دیگر، به هدف اصلی و آنهایی ای که از تکوین هر جامعه مقصود است، نائل آمده است.³

1. محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج 1، صص 91-93.

2. نور (24) آیه 55.

3. محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، قم، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، 1390، ص 457.

از آنجاکه هر انسانی، در مدت زندگی این جهانی اش در ابعاد مختلفی رابطه برقرار می کند (ارتباط باخدای متعالی، ارتباط با خود، و ارتباط با انسان های دیگر) می توان این گونه نتیجه گرفت که اگر این رابطه بر اساس تعالیم الهی باشد، آنگاه امنیت از حوزه فرد آغاز و به حوزه های بعدی سرازیر می شود.

4.1. چارچوب نظری

هر مکتب امنیتی، به پرسش های فراوانی پاسخ می دهد. هر نظریه امنیتی شامل برخی پارامترها از جمله مفهوم امنیت، مرجع امنیت، سطح امنیت، راهکار استراتژیک امنیتی، خودی و غیرخودی و روش های تحصیل امنیت است.¹ مبانی فلسفی و نوع نگرش به جهان هستی، نقش تعیین کننده ای در تعریف هر یک از این المان ها دارد. یکی از مبانی بسیار تأثیرگذار در مکاتب امنیتی، انسان شناسی فلسفی هر مکتب است. برای نمونه، نگاه بدبینانه توماس هابز² به انسان باعث پدید آمدن مکتب امنیتی ای متفاوت از مکتب امنیتی امانوئل کانت³ شد، کانت برخلاف هابز نگاهی خوش بینانه به انسان داشت.⁴

مکتب امنیتی رئالیست ها، که به لحاظ انسان شناسی از هابز متأثر است، از سیاست جهان تصور نسبتاً تیره ای ترسیم می کنند. از نظر آن ها، نظام بین الملل میدان مبارزه است و در آن، کشورها با بی رحمی به دنبال فرصت هایی برای بهره گیری از یکدیگرند و در این میان اعتماد جایی ندارد. در این میدان، زندگی روزانه اساساً مبارزه برای قدرت است و هر کدام از کشورها نه تنها تلاش می کنند قوی ترین بازیگر نظام باشند، بلکه سعی دارند مطمئن شوند که هیچ کشور دیگری به آن موقعیت رفیع دست نمی یابد. تمامی گرایش های واقع گرایی بر اصل بقاء به عنوان هدف برتر بازیگران در نظام بین الملل تأکید دارند. رئالیست ها، دولت را

1. علی عبدالله خانی، نظریه های امنیت، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، 1389، ص 44.

2. Thomas Hobbes

3. Immanuel Kant

4. نجف لکزایی، کاربردهای امنیتی انسان شناسی حکمت متعالیه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره چهارم، زمستان 1389، ص 65.

مرجع امنیت می دانند و با نقی مسئله امنیت در داخل کشور، کلیه پدیده‌های ناامنی و تهدیدات علیه امنیت را در خارج کشور جستجو می کنند.¹

از سوی دیگر مکتب امنیتی لیبرالیسم، که به لحاظ انسان‌شناسی از کانت متأثر است، بر عقلانیت انسان تأکید می کند. قدیمی‌ترین راهکار لیبرالیستی امنیت، که بر اساس آرای امانوئل کانت، جرمی بنتام² و بعدها ای. اچ. کار³ بیان نهاده شد، بر وجود نظم طبیعی در شالوده جامعه انسانی تأکید دارد. همچنین هسته اصلی تز صلح دموکراتیک نیز به آرای کانت بازمی گردد. راهکار لسه‌فر امنیتی، وجه امنیتی الگوی لیبرالیسم بین‌الملل گراست.⁴ کانت بر این باور است که اصل در این جهان بر صلح و امنیت است و انسان‌ها همان‌طور که توانسته‌اند برده‌داری را ریشه‌کن کنند، می‌تواند جنگ و ناامنی را نیز از بین ببرند. از نظر این مکتب، مرجع امنیت فرد است. ناسیونالیسم، دولت‌های ملی و اساساً در طلب منافع ملی بودن، ریشه ناامنی و تشکیل دولت جهانی، راه‌حل اصلی تأمین امنیت جهانی است.⁵

در نظریه امنیت متعالیه نقش اصلی و تعیین کنند در تأمین امنیت، به محتوای باطنی انسان داده می‌شود، زیرا رفتار انسان‌ها ناشی از محتوای درونی آن‌هاست و این انسان‌ها هستند که استراتژی‌های امنیتی و نظامی را تدوین می‌کنند.

در قرآن کریم نیز، انسان به‌عنوان عامل تعیین‌کننده در تدوین راهبردهای خرد و کلان جامعه در نظر گرفته شده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». در نظریه امنیت متعالیه با عنایت به اینکه تهدید از فرد شروع می‌شود لذا امنیت سازی نیز باید از فرد شروع شود و آیه شریفه «قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ

1. علی عبدالله خانی، نظریه‌های امنیت، صص 59-81.

2. Jeremy Bentham

3. Edward Hallett Carr

4. علی عبدالله خانی، نظریه‌های امنیت، صص 95-115

5. اصغر افتخاری (گردآوری و ترجمه)؛ مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1381.

6. رعد (13) آیه 11.

أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَنِّي وَفُرَادِي^۱ نیز به این مطلب اشاره دارد. بنابراین، با توجه به حضور همیشگی تهدیدکنندگان امنیت انسان - همچون شیطان - تهدید هیچ‌گاه حذف نمی‌شود.

پیرامون جمع‌بندی الگوهای انسان‌شناسی مطرح‌شده باید گفت؛ انسان یا جهت‌گیری الهی دارد و در نتیجه متعالی است و یا جهت‌گیری غیر الهی دارد و در نتیجه، باورها، گرایش‌ها و رفتارهایش ممکن است عرفی یا متدانیه شود. بر این اساس، در حوزه الگوها و مکاتب امنیتی نیز سه الگو استنباط می‌شود؛ اول، الگو و مکتب امنیت متعالی، که بقای ابدی انسان در کانون توجه آن است که بقا جز با «لقا» و «قرب الهی» تحقق نمی‌یابد. دوم، الگو و مکتب امنیتی متعارف، که بقای دنیوی انسان در کانون توجه آن قرار دارد، بدون اینکه با اهل حق به دشمنی برخیزد. سوم، الگو و مکتب امنیتی متدانیه، که اصالت را به دنیا می‌دهد و در وضعیت جنگ و دشمنی با اهل حق قرار می‌گیرد. البته، نوع باورها، گرایش‌ها و رفتارها در این الگو، باعث تولید نظریه‌های مختلفی می‌شود.^۲

5.1 نقش آموزه‌های اعتقادی در دیدگاه امنیتی متعارف و متدانی

با بررسی الگو امنیتی متعارف و متدانی، می‌توان، نقش آموزه‌های اعتقادی در تدوین استراتژی‌های امنیتی و نظام این مکاتب را مشاهده نمود. آقای اصغر افتخاری در کتاب «مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی» به گردآوری رویکردهای امنیتی در مکاتب مختلف پرداخته است. وی در فصل پانزده، رویکرد اخلاقی در امنیت ملی آمریکا را مورد بررسی قرار داده است. بر مبنای نگرش اندیشمندان صاحب‌نام، آموزه‌های اخلاقی لیبرالیسم، نقش محوری در تدوین استراتژی امنیتی و نظامی ایالات متحده آمریکا داشته است.

با مراجعه به آثار اندیشمندان سیاسی کلاسیک غربی، شاهد آن هستیم که، فیلسوفی چون ارسطو در کتاب اخلاق، از ضرورت تلفیق احتیاط و فضائل اخلاقی به‌مثابه مقدمه لازم برای سلامت عمل دولت‌مرد یاد کرده، به این ترتیب تقدم ارزش‌ها و اخلاقیات را می‌رساند. همچنین در بین اندیشمندان جدید، امانوئل کانت، مصداق بارز این نوع از تفکر است. کانت بر این باور بود که رسالت اخلاقی دولت‌مردان آن است که

1. سیأ(34) آیه 46.

2. نجف لک‌زایی، کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالیه، صص 82-83.

جهت دست یافتن به ابزارهای تحقیق «صلح دائمی» پیوسته تلاش نمایند. بر این اساس کانت، اخلاق را با ویژگی‌هایی که برمی‌شمرد، به‌عنوان هادی سیاست امنیتی و سیاست خارجی، معرفی می‌کند.¹

در فصل پانزدهم کتاب «مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی» دیدگاه چهار تن از اندیشه‌گران و محققانی که هر یک به‌نوبه خود در هر دو زمینه سیاست امنیتی و اخلاق دارای تألیفات و نظریه بودند مورد بررسی قرار گرفته است. جیمز دبلیو چیلد² بر این باور است که؛ بدیهی است که هر نظامی دارای اخلاق سیاسی خاص خود می‌باشد که از موارد مشابه متفاوت است. مثلاً برای «لی پنگ»³ و «فیدل کاسترو»⁴، «مارکسیسم لنینسم» چنین نقشی را ایفا می‌کند؛ آیت‌الله خمینی (سعد) به‌طور قطع، به چشم اسلام سیاسی (معروف به تشیع) داشت و همین‌طور در سایر موارد می‌توان اخلاقی خاص را تمیز داد. در خصوص افرادی چون وینستون چرچیل و ترومن نیز همین موضوع کاملاً صادق است و «لیبرالیسم غربی» چنین نقشی را ایفا می‌نماید. به‌گمان من «لیبرالیسم غربی» دربرگیرنده ارزش‌های خاصی است که بر اعمال و رفتار دولت‌مردان غربی سایه افکنده است. آیا تاکنون در چیستی لیبرالیسم غربی به تأمل پرداخته‌اید؟ کالبدشکافی فلسفی این مقوله حکایت از حضور پررنگ لایه‌های ارزشی‌ای دارد که تصویر خام «عینت فارغ از اخلاق لیبرالیسم» را به‌سادگی باطل می‌سازد. با نگاه به تاریخ تحولات غرب از «هری ترومن» و «وینستون چرچیل» گرفته تا «مارگارت تاچر» و «رونالد ریگان»، پیوسته می‌توان «اخلاقیات» را در مقام «خود» و تعیین «غیرخودی» نقش‌آفرین ملاحظه کرد.⁵

چالز دبلیو کیگلی⁶ بر این باور است که؛ تجربه عملی سیاست لیبرال دموکراتیک امریکا حکایت از حضور موثر ارزش‌ها در سیاست امنیتی این کشور دارد. پروفیسور هدلی آرکز⁷ نیز با عنایت به نقش پررنگ

¹ اصغر افتخاری، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1381، ص 375-370.

² James W. Child

³ Li Peng

⁴ Fidel Castro

⁵ اصغر افتخاری، همان، ص 384-383

⁶ Charles W. Kegley

⁷ Hedley Arkes

اخلاقیات در سیاست امنیتی امریکا، عملاً همین ایده را تایید نموده است. تری ناردین^۱ نیز بر این باور است که، حضور ارزش‌ها در سیاست امنیتی امریکا بدیهی و غیر قابل انکار است و می‌توان ادعا کرد «سنن اخلاقی» بست سیاست‌گذاری امنیتی امریکا را شکل می‌دهد.^۲

با توجه به آنچه بیان شد، به این رهنمود دست خواهیم یافت که، استراتژی‌های امنیتی و نظامی در هر کشوری ریشه در ارزش‌های آن کشور دارد. برای مثال فلسطین اشغالی نمونه بارز این ادعا است. به شکلی که بسیاری از راهبردهای کلان اسرائیل برگرفته از آموزه‌های تورات است. همچنین بسیاری از گروه‌های نظامی و شبهه نظامی که امروز امنیت مناطق اسلامی را به خطر انداخته‌اند راهبرد کلان خود را برگرفته از باورهای اسلامی می‌دانند.

6.1. دیدگاه امنیتی انسان‌شناسی امام خمینی (عج)

انسان‌شناسی نظریه امنیت متعالی مبتنی بر دیدگاه امام خمینی (ع) است. ایشان ذیل حدیث بیست و چهارم کتاب «شرح جنود عقل و جهل»، با عنایت به سیطره هریک از قوای عقل، شهوت، غضب و وهم، هشت نوع انسان را معرفی کرده‌اند. متن حدیثی که حضرت امام (ع) در طبقه‌بندی علوم از آن استفاده کرده‌اند بدین شرح است: (موسی بن جعفر^۳) فرمود: داخل شد رسول خدا (ﷺ) به مسجد؛ ناگاه جماعتی را مشاهده فرمود، که اطراف مردی دور می‌زنند. فرمود: «چیست این؟» گفته شد: «علامه است». فرمود: «چیست علامه؟» گفتند به او: «داناترین مردم است به نسب‌های عرب و وقایع آن و روزگار جاهلیت و اشعار عربی». فرمود پیغمبر (ﷺ): «این علمی است که جهل او ضرر و زیانی نرسد و از علم او سودی حاصل نشود. همانا علم منحصر است به سه چیز: آیه محکمه یا فریضه عادلانه یا سنت قائمه (نشانه استوار یا واجب راست یا سنت پابرجا) و غیر از این‌ها زادات است»^۳

از نظر حضرت امام (ع) انسان به‌طور اجمالی دارای سه نشئه و صاحب سه مقام و عالم است؛ نشئه اول، آخرت و عالم غیب و مقام روحانیت و عقل؛ نشئه دوم، برزخ و عالم متوسط بین العالمین و مقام خیال؛

^۱. Terry Nardin

^۲. اصغر افتخاری، همان، ص 395 - 392

^۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی (ط - دار الحدیث) - قم، چاپ: اول، ق 1429، ص 32، حدیث 1.

در نهایت نشئه سوم که دربردارنده دنیا و مقام ملک و عالم شهادت است. از نظر ایشان برای هر یک از مقامات، کمال خاص و تربیت خصوص است و علمی است متناسب با نشئه و مقام خود انبیا (ع)، متکفل دستورات آن اعمال هستند. از این رو، نتیجه می گیرند که کلیه علوم نافع، منقسم شود به سه علم؛ یعنی علمی که راجع است به کمالات عقلیه و وظایف روحیه، علمی که راجع به اعمال قلبیه و وظایف آن است و علمی که راجع به اعمال قالبیه و وظایف نشئه ظاهره نفس است.¹

پس از آنکه معلوم شد این علوم که رسول اکرم (ص) ذکر فرمودند همین سه رشته است که ذکر شد، باید بررسی شود که هر یک از این سه عنوان بر کدام یک از حالت انسان منطبق است. در دیدگاه انسان شناسی حضرت امام، انسان به لحاظ آفرینش، غیر از عقل، سه نیروی دیگر در انسان وجود دارد؛ یکی نیروی شهوت، که تمایلات حیوانی انسان توسط این قوه پشتیبانی می شود، دوم نیروی غضب و سوم نیروی وهم و شیطنت است. بنابراین، انسان در کنار عقل، از سه نیروی دیگری هم برخوردار است؛ نفس بهیمی و حیوانی، نفس سبعی و نفس شیطانی. از این رو، با توجه به نوع تربیت، انسان های مختلفی شکل می گیرند.²

اول، انسانی است که ریاست وجودش را قوه شهوی و حیوانی برعهده گرفته و دیگر قوا در خدمت این قوه قرار می گیرند. دسته دوم، انسان هایی هستند که پیوسته به دنبال خشونت و صدمه زدن به دیگران هستند. در این انسان ها، قوه سبعی، ریاست وجود را بر عهده می گیرد و قوای دیگر نیز به خدمت این قوه درمی آید. دسته سوم، انسان هایی هستند که قوه شیطنت بر آنها حاکم می شود و بقیه قوا در خدمت این قوه قرار می گیرند، که از آن با عنوان انسان شیطان صفت یاد می شود. گونه دیگر انسان نیز از ترکیب این قوا به وجود می آید؛ یعنی انسانی که ریاست وجودش به عهده دو یا سه قوه از این سه قوه قرار گرفته است.³

بنا بر تعریف و تعبیر امام خمینی (س)، دین به کمک عقل در برابر آن سه قوه دیگر آمده است. عقل در تعریف امام خمینی (س) آن قوه ای است که به ما می گوید علاوه بر امنیت جسممان به امنیت

1. نجف لک زایی، طبقه بندی علوم از دیدگاه صدر المتألهین و امام خمینی، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال دوازدهم، شماره سوم، پائیز 1387، صص 11 و 12.

2. نجف لک زایی، کاربردهای امنیتی انسان شناسی حکمت متعالیه، ص 77.

3. همان، 77.

روحمان هم باید پردازیم. طبق فرمایش معصوم «العقلُ ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ»¹ عقل آن چیزی است که ما به کمک او خدا را عبادت می کنیم. دین آمده است قوای شهوانی، سبعی و شیطنت را کنترل کند، چون آن سه قوه برای اصل بقای انسان ضرورت دارد، اما به شرط آنکه تحت تدبیر و ریاست عقل باشند. انسان عاقل، انسانی است که در برابر تهدیدات که بقای اخروی اش را تهدید می کند، از خودش محافظت می کند. چنین انسانی می شود انسان متعالیه. انسان غیر متعالی، اگر عاقل هم باشد، عقلش فقط محدود به دنیا می شود؛ یعنی در حد همان سه قوه محصور می شود.

در تبیین نگرش دین به امنیت، توجه به لایه های سه گانه ای دین، که برای تعالی انسان ترسیم نموده، امری ضروری است. از دیرباز دین اسلام در یک تقسیم کلاسیک، به سه بخش عمده اعتقادات، اخلاقیات و احکام فقهی و عملی طبقه بندی شده است. به طور مثال کتاب «اصول کافی» کلینی در حدود هزار سال قبل بر مبنای این ساختار سه گانه به تدوین روایات و احادیث پس از غیبت کبرا پرداخته است. امام خمینی (سعد) نیز با سندیت قرار دادن یکی از روایات در کتاب «چهل حدیث» علوم را در سه بخش کلی، آیه محکمه (علوم عقلیه و عقاید حقه معارف اسلامی) فرضیه عادلّه (علم اخلاق و تصفیه قلوب) و سنّه قائمه (علم ظاهر و علوم آداب قالبیه) می داند و سپس متکفل هر یک از این دانش ها را نیز برمی شمارد. ایشان در گفتار و نوشتارهای دیگر خود نیز این الگوی سه گانه را در کانون توجه قرار می دهند.²

اسلام مکتبی است جامع و واقع گرا. در اسلام به همه جوانب نیازهای انسانی - اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی و فکری یا احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی - توجه شده است. مجموعه تعلیمات اسلامی از یک لحاظ سه بخش را تشکیل می دهد:

الف. اصول عقاید، یعنی چیزهایی که وظیفه هر فرد کوشش درباره تحصیل عقیده درباره آن هاست. کاری که در این زمینه بر عهده انسان است از نوع کار تحقیقی و علمی است.

ب. احکام، یعنی دستورهایی که مربوط است به فعالیت های خارجی و عینی انسان، اعم از فعالیت های معاشی و معادی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی.

1. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج 1، حدیث 3.

2. ابراهیم برزگر، ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام، فصل نامه دانش سیاسی، شماره 12، پائیز و زمستان 1389، ص 46.

ج. اخلاقیات، یعنی خصلت‌هایی که وظیفه یک فرد مسلمان این است که خویشتن را به آن خصلت‌ها و خوبی‌ها بیاراید و از اضرار آن‌ها خویشتن را دورنگه دارد. کاری که در این زمینه بر عهده انسان است از نوع مراقبت نفس و خودسازی است.^۱

این تقسیم‌بندی سه‌گانه متناسب با ابعاد وجودی انسان است. به عبارت دیگر چون اسلام برای انسان آمده است و موضوع علم انبیاء، انسان و مخاطب تعلیمات پیامبران و تعالیم پیامبر اکرم (ﷺ) انسان است، این تعالیم معطوف به ابعاد وجودی انسان است. می‌توان از سه‌بخشی بودن اجزای دین اسلام، سه‌بعدی بودن انسان را نتیجه‌گیری کرد. فهم عقلانی، گرایش‌های عاطفی و رفتارهای ظاهری به ترتیب به مغز و عقل؛ قلب و اعضا و جوارح انسان تعلق می‌گیرد. شگفت‌آور آن‌که این طبقه‌بندی کلاسیک سه‌گانه از اسلام با ویژگی‌های شناختی، عاطفی و رفتاری انسان که از محورهای اساسی و پارادایم علم روان‌شناختی است، در تطابق و همسانی است.^۲

تقسیم‌بندی اعتقادات، اخلاقیات و احکام فقهی و عبادی، طبقه‌بندی جاافتاده‌ای است. دانشمندان مسلمان همواره از آن جهت معاصر سازی هم بهره‌مند شده‌اند و جهت شرح و بسط دیدگاه‌های خود از آن استفاده کرده‌اند. علامه طباطبائی، امام خمینی (سعد)، مرتضی مطهری، مصباح یزدی، جوادی آملی، محمدباقر صدر، یحیی نوری، علی مشکینی و نویسندگانی چون فیض، ضیاءآبادی، ابوالفضل عزتی و حتی متفکران اهل سنت نظیر یوسف قرضاوی و جز آن، این طبقه‌بندی به‌دفعات در گفتار و نوشتار آنان به کار گرفته شده است. این شواهد و مؤیدات از جایگاه بسیار مستحکم الگوی سه‌گانه در متون اسلامی و روایات و نیز در توافق بین الأذهانی صاحب‌نظران خبر می‌دهد.^۳

7.1. جستار سه‌گانه در امنیت متعالیه

آن‌گونه که در انسان‌شناسی امنیتی امام خمینی (سعد) بیان شد، از منظر ایشان و اعظم فقیهان، دین اسلام دارای ارکان سه‌گانه (اعتقاد، اخلاق و احکام) است. اکنون مدعا آن است که در امنیت متعالی نیز ارکان

^۱ مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج 2، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات صدرا، تیرماه 1390، ص 65

^۲ ابراهیم برزگر، ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام، فصل‌نامه دانش سیاسی، شماره 12، پائیز و زمستان 1389، ص 46.

^۳ همان، ص 47-48.

سه‌گانه تکرار می‌شود و نگارند در پژوهش پیش‌روی، به ترتیب اصول اعتقادی، احکام فقهی و اخلاق، لایه‌های سه‌گانه امنیتی را مورد کاوش قرار می‌دهد. همچنین استراتژیست‌های امنیتی و نظامی می‌توانند با عنایت به این محکومات سه‌گانه، راهبردها و الگوهای امنیتی و نظامی را در سبدهای سه‌گانه قالب‌ریزی، ساماندهی و به‌هنگام نمایند. در ادامه به شرح مختصر هر یک از این اجزای سه‌گانه پرداخته می‌شود.

1.7.1. اصول اعتقادی و استراتژی‌های امنیتی و نظامی

بر مبنای آموزه‌های دینی، هریک از ابعاد مادی و معنوی امنیت، ریشه در باورهای ایمانی و اعتقادی انسان دارد و در سوی مقابل این کفر و ظلم است که سرمنشأ ناامنی است. آموزه‌های دینی، ما را به این امر رهنمود می‌نماید که، ایمان به خدا در کنار استقامت و پایداری بر آن موجبات آرامش روانی مؤمنین را به‌عنوان مهم‌ترین مقوله امنیت فراهم می‌سازد، تا جایی که نه ترسی بر آن‌ها چیره می‌شود و نه غمناک می‌شوند. در اینجا باور به اصول پنج‌گانه اعتقادی (توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد) پشتوانه و ضمانت اجرایی برای امنیت جامعه می‌گردد.

2.7.1. آموزه‌های فقهی و استراتژی‌های امنیتی و نظامی

در فقه امنیت مهم‌ترین مسائل امنیتی بر مبنای حفظ مصالح خمس مطرح می‌شود. به بیان رساتر، احکامی فقهی برای تأمین این مصالح آمد است. این مقاصد یا ضروریات پنج‌گانه عبارت‌اند از؛ حفظ نفس، حفظ دین، حفظ عقل، حفظ نسب، و حفظ مال. با توجه به این مسئله، سؤال اصلی بحث به پنج زیرمجموعه تقسیم می‌شود که در هریک از پرسش‌ها، نقش یکی از اصول فقهی، مورد کاوش قرار می‌گیرد.

در نگرش فقهی اگر انسان رفتار خود را بر مبنای فرامین الهی تنظیم نماید، صفت مؤمن را به خود می‌گیرد و انسان مؤمن تولیدکننده امنیت می‌شود. بنابراین تنها تولیدکننده امنیت، خدای متعال و هرآن کسی است که رفتارش مبتنی بر دستورات الهی باشد. همچنین برهم زنده امنیت نیز ابلیس است. با این بیان، در آموزه‌های فقهی تهدید از فرد آغاز می‌شود، لذا امنیت سازی نیز باید از فرد شروع شود.

3.7.1. آموزه‌های اخلاقی و استراتژی‌های امنیتی و نظامی

با مراجعه به راهبردهای کلان هریک از مکاتب مادی و متعالی، می‌توان مشاهده نمود که آموزه‌های اخلاقی نقش محوری در تدوین استراتژی امنیتی و نظام این مکاتب دارند. در نگرش متعالی اگر انسان رفتار خود را بر مبنای اعتدال در قوای چهارگانه (شهویه، غضبیه، وهمیه و عاقله) تنظیم نماید، صفت «حکیم» را به خود

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

می گیرد و انسان «حکیم» تولیدکننده امنیت می شود. این حکمت به وسیله حاکمیت عقل بر سایر قوا و با پشتوانه دین حاصل می شود.

به بیان دیگر، تمامی قوای نفسانی برای بقای انسان لازم اند، ولی به شرط اینکه تحت تدبیر عقل قرار بگیرند. دین برای محدود کردن و کنترل کردن این سه قوه و کمک به عقل آمده است. انسان عاقل، انسانی است که در برابر تهدیداتی که بقای اخروی اش را تهدید می کند، از خودش حفاظت می کند. چنین انسانی متعالی می شود.

در نهایت با مراجعه به اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران، به آسانی می توان نتیجه گرفت که آموزه های دینی، محور اصلی تدوین راهبردهای کلان نظامی و امنیتی است. به گونه ای این مهم را می توان در سطوح خردتر نظام اسلامی ایران، مشاهده نمود.